مدیر مسئول و سر دبیر

سید محمد حسینی

الف

گفتم که الف گفت دگر گفتم هیچ
در خانه اگر کس است
یک حرف بس است

+ ملاقات یا مذاکره؟! صفحه ۳

گاهنامه سیاسی ، انتقادی ، اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان، سال پانزدهم/ شماره ۱۲۰ / مهر ماه ۱۳۹۵

سنوات پردرآمد

سجاد اسدی

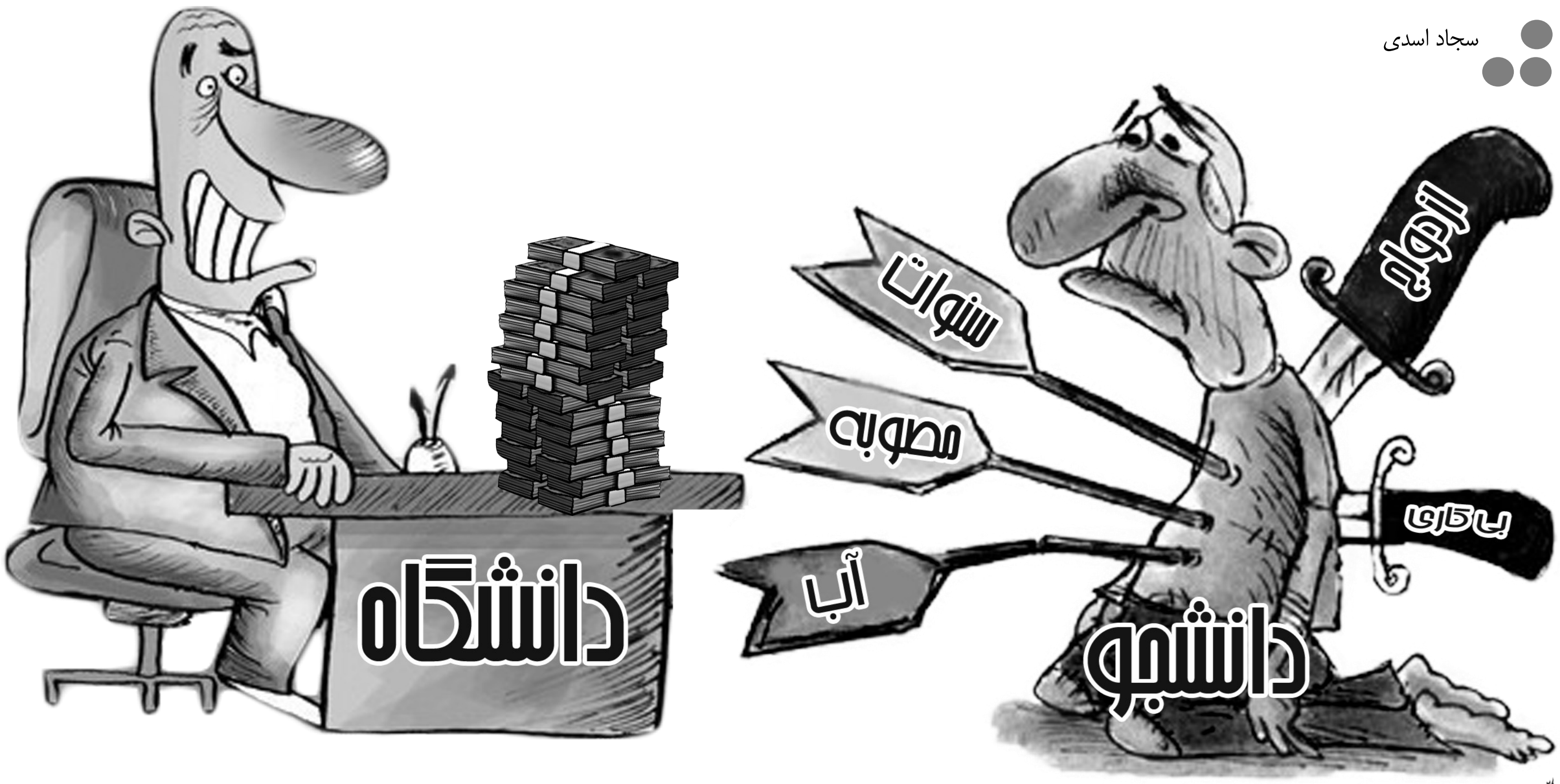

اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: »دولت موظف است... وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی به‌طور رایگان گسترش دهد .«ترجمان این اصل در عالم واقع، دوره‌های روزانه دانشگاه‌های سراسری است که دولت برای تامین نیاز کشور به نیروی دانش‌آموخته لازم می‌داند و براساس این احساس نیاز اقدام به ایجاد سهمیه ویژه دانشجویان برتر کنکور سراسری جهت تحصیل در دوره روزانه می‌کند. براساس این اصل، قاعده این است که تحصیل دانشجویان دوره روزانه و لوازم تحصیل مانند امکانات آزمایشگاهی، کارگاه، کتابخانه، اینترنت و... باید رایگان باشد و مواردی مانند تغذیه و خوابگاه نیز باید با حداقل قیمت ممکن و با یارانه دولت به دانشجویان ارائه شود. استثنا وارد کردن بر این اصل، امری است خلاف قانون اساسی و می‌تواند این قاعده را به استهجان بکشاند. دولت می‌تواند براساس نیازسنجی و دلایل کارشناسی خود، ظرفیت دوره‌های روزانه را کاهش یا افزایش دهد اما آیا می‌تواند بر دانشجویان دوره روزانه هزینه‌هایی را تحمیل کند که خلاف »رایگان بودن تحصیل و لوازم آن «است؟ خیر! از جمله این استثنائات بر رایگان بودن تحصیل، اتفاقی است که اخیرا در تغییرات سنوات تحصیل دانشجویی اتفاق افتاده است.

به موجب تغییرات اخیر آیین‌نامه‌ای، سنوات مجاز تحصیل برای دانشجویان کارشناسی ۸ ترم، کارشناسی ارشد ۴ ترم و دکترا ۹ ترم است و پس از انقضای این مدت، دانشجویان موظفند برای ادامه تحصیل هزینه‌هایی را پرداخت کنند و تسهیلاتی مانند تغذیه و خوابگاه را نیز با هزینه‌ای چند برابر دیگر دانشجویان دریافت کنند. در واقع چنان است که انگار دانشجویان با گذر از این ترم‌ها، وصف دانشجوی روزانه بودن خود را از دست می‌دهند و به یک دانشجوی پولی بدل می‌شوند. این امر در حالی است که قوانین دانشگاهی به دانشجویان کارشناسی اجازه می‌دهد در هر ترم حداقل ۱۲ واحد اخذ کنند. با این حساب که تعداد واحد دانشجویان کارشناسی معمولا بین ۱۳۰ الی ۱۴۰ واحد است، می‌شود گفت قانونگذار به دانشجویان اجازه داده است با تقسیم واحد خود در ترم‌های مختلف، در ۱۰ الی ۱۲ ترم تحصیل خود را به پایان ببرند. همین گزاره درباره دانشجویان کارشناسی ارشد هم صادق است و آنها می‌توانند با رعایت حداقل واحد قابل

ادامه متن را در صفحه ۲ پی گیری کنید

عکس نوشت

در سینمای ایران کار نمیکنم

باصراحت اعلام می کنم که تا وقتی مسئولان فعلی ارشاد از وزیر تا مدیران میانی بر سر کار هستند من دیگر در سینمای ایران کاری نخواهم کرد.

عجیب ترین نامزد ها

اخیرا حواشی دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا به اوج خود رسیده است.

یک زن دیگر هم ترامپ را به سوء استفاده جنسی متهم کرده است

و از آن طرف هم ترامپ کلینتون را به استفاده از مواد مخدر قبل از مناظره اخیر متهم کرد..

نمایشگاه کتاب های پاره پاره

برای خرید کتاب با قیمت دانشجویی هم اکنون به نمایشگاه کتاب های پاره پاره در محوطه دانشکده پایه مراجعه فرمایید.

در این نمایشگاه می توانید از کتاب های دروس عمومی، پایه و اختصاصی دیدن فرمایید.

پالم از نوع خوب

وزیر بهداشت: در گذشته بیشترین واردات پالم به کشور از نوع نامرغوب آن بود.روغن پالم هم نوع خوب دارد و هم نامرغوب و مضر.

زیاده روی در مصرف هرنوع روغن از جمله پالم مضر است..

درپس این دعواها خبری نیست

اولین سه شنبه بعد از اولین دوشنبه ماه نوامبر موعد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکاست. انتخاباتی که هر چهار سال یک بار برگزار می شود و یک فرد می تواند دو دوره متوالی به عنوان رئیس جمهور فعالیت کند و اولین دوره برگزاری این انتخابات به بیش از ۲۳۰ سال پیش بر می گردد. انتخاباتی که پروسه برگزاری اش یک سال به طول می انجامد و متفاوت از بسیاری از کشور های دنیاست. در واقع انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده به صورت غیر مستقیم برگزار می شود.

انتخابات ریاست جمهوری امریکا در چند مرحله برگزار می شود. مرحله اول نامزدهای انتخاباتی در ایالت های مختلف در انتخابات مقدماتی شرکت می‌کنند یا از طریق انجمن‌های حزبی به آنها رای داده می شود. بعد از آن انتخابات براساس کنوانسیون های ملی است. در این مرحله، نتایج انتخابات مقدماتی ایالت ها و انجمن‌های حزبی توسط هر یک از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات خواه بررسی می‌شود و یک نفر در نهایت به عنوان نامزد اول هر حزب معرفی می‌شود .

پس از معرفی کاندیدای هر یک از دو حزب، او بلافاصله معاون خود را هم به عنوان معاون رئیس جمهور آینده معرفی می کند. مرحله بعدی انتخابات سراسری است. البته مردم در این مرحله به واقع به نمایندگانشان در کالج الکترال که شامل ۵۳۸ عضو است، حکم می‌کنند که به چه‌کسی رأی دهند. یعنی نمایندگان کالج الکترال از خودشان حق رأی ندارند و رأیشان نمادین است و متعلق به نامزدی است که مردم همان ایالت او را انتخاب کرده‌اند. در واقع در این انتخاب کاندیدایی که در هر ایالت، رای اکثریت را به دست آورد، تمام آرای الکترال آن ایالت به نام وی خوانده می شود.

اینکه هر ایالت چه تعداد نماینده در کالج الکترال دارد به جمعیت آن ایالت و نسبت آن به کل کشور بستگی دارد. ایالت‌های پرجمعیتی مانند کالیفرنیا، تگزاس، نیویورک، فلوریدا، پنسیلوانیا و ایلی‌نویز که بیشترین جمعیت را در میان ایالت‌های آمریکا دارند، بیشترین آرای الکترال را هم به‌خود اختصاص داده‌اند. کالیفرنیا با ۳۷میلیون نفر، ۵۵ آرای الکترال دارد. یعنی هم در فهرست جمعیتی اول است و هم در فهرست آرای تعیین‌کننده رئیس‌جمهور. این براساس تعریف مفهوم دمکراسی که حکومت اکثریت بر اقلیت است برنامه‌ریزی شده‌است. در این تقسیم بندی ایالت ورمونت با ۶۰۰ هزار نفر جمعیت تنها سه رأی الکترال دارد.

ادامه متن را در صفحه ۲ پی گیری کنید

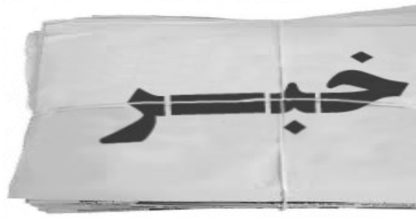

جان کری در مصاحبه با مجله فارن افرز: حمایت تهران از حزب‌الله و اسد لغو تحریم‌ها را سخت کرده است.

رحیم پور ازغدی :زبان بعضی از انقلابیون دهه ۶۰ عوض شده و در زمین بازی دشمن فکر می‌کنندبرخی خیال می‌کنند این افراد جاسوس هستند اما اینگونه نیست بلکه آنها تن به سرکردگی دشمن داده‌اند.

سردار جزایری :عقده‌گشایی جان کری درباره توان دفاعی ایران مشکل کاخ سفید را حل نمی‌کند.در ایران هیچ‌کس به آمریکا اجازه نمی‌دهدبدعهدی‌هایش را با مسائل دفاعی و منافع مقاومت گره بزند.

زاکانی:پرونده زنگنه در مراجع قضایی باز است.اظهارات معاون زنگنه امید ایران برای برد را هدف گرفته است.

حضرتی نماینده تهران: پیشنهاد می‌کنم که این وزارتخانه (فرهنگ و ارشاد) را منحل کنند و مسئولیت آن را به نهادهایی بدهند که بیشترین بودجه را در حوزه فرهنگ دریافت می کنند .

یک منبع مطلع به اعتماد گفت:رفتن علی جنتی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قطعی شد.

سنوات پردرآمد

اخذ، در بیش از ۴ترم فارغ‌التحصیل شوند. اما محدودیت‌های اخیر سنوات دانشجویی و هزینه‌های گزافی که بر دانشجویان تحمیل می‌کند، دانشجویان را چنان در مضیقه قرار می‌دهد که ناچار باید از حق خود چشم‌پوشی کنند. علاوه بر این، در برخی رشته‌ها- خاصه در دانشکده‌های فنی‌ومهندسی- به دلیل حجم و سختی دروس، فراغت از تحصیل در ۸ ترم هیچ‌گاه مرسوم نبوده است و معمولا دانشجویان این رشته‌ها در ۴ سال دانش‌آموخته مقطع کارشناسی نمی‌شوند اما مقررات سنوات بدون امعان نظر به این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، همه رشته‌ها را به یک چوب رانده است. از سوی دیگر مطابق قوانین، دانشجویان می‌توانند در رشته‌ای متفاوت از رشته مقطع کارشناسی‌شان در مقطع کارشناسی‌ارشد تحصیل کنند ولی این امر مستلزم گذراندن تعدادی واحد پیش‌نیاز یا جبرانی است. این موضوع نیز در کنار زمانبر بودن و دشواری نگارش پایان‌نامه، می‌تواند به طولانی‌تر شدن زمان تحصیل بینجامد که در تغییرات اخیر در نظر گرفته نشده است. می‌توان گفت تغییر مقررات سنوات تحصیلی، نه‌تنها با قانون اساسی که با دیگر قوانین و آیین‌نامه‌های آموزشی وزارت علوم نیز ناسازوار است.

علاوه بر این ها در مقرره اخیر گویی قانون‌نویسان و سیاست‌گذاران از هیچ یک از اموری که در بطن جامعه در جریان است اطلاع نداشته‌اند. از وضع اقتصادی جامعه که دانشجو را از تمرکز مطلق بر درس بازمی‌دارد و مجبورش می‌کند در کنار تحصیل، گوشه‌چشمی هم به کار کردن داشته باشد و احیانا تحصیلش را طولانی‌تر کند بی‌اطلاعند.

از وضع کمبود امکانات کتابخانه‌ای و آزمایشگاهی بسیاری از دانشگاه‌ها (از جمله دانشگاه خودمان) که مانع تکمیل رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در مدت معمول می‌شوند خبر ندارند. گویا دولتمردان و سیاست‌گذاران خبر ندارند بسیاری از دانشجویان برای مخارج اولیه‌شان هم نیازمند کمک‌هزینه‌ها و وام‌های تحصیلی‌اند و محکوم شدن به چنین جریمه‌هایی برای‌شان به معنی دست شستن از ادامه تحصیل خواهد بود.

حال نگاهی به وقایع اتفاقیه معطوف به مصوبه می کنیم؛ همزمان با ابلاغ این مصوبه توسط دانشگاه های سراسری در اقصی نقاط کشور، شاهد اعتراضات بس پرشور و مصرانه توسط دانشجویان دانشگاه های مختلف از جمله دانشگاه های شریف، شهید بهشتی، امیرکبیر، صنعتی اصفهان بوده ایم؛ این اعتراضات در برابر مصوبه ی مزبور موجب عقب نشینی مسئولان این دانشگاه ها از اجرای ماده ۱۵ ام آیین نامه فوق الذکر که همان کاهش سنوات مجاز از ۱۰ ترم به ۸ ترم می باشد را در پی داشته است.

کمتر از یک هفته پیش بود که بالاخره دانشگاه عزیزتر از جیبمان به صورت اطلاعیه ای آموزشی، این مصوبه را ابلاغ کرد. بدین شرح که دانشجویان ورودی ۹۳ به بعد می بایست جریمه ای بابت تحصیلشان در سال های بعد از سال چهارمشان بپردازند. مسئله ی مورد بحث ما این نیست که مسئولان از این مصوبه عقب نشینی کنند و فی المثال این مصوبه را برای دانشجویان ورودی ۹۵ به بعد اجرا کنند، خیر؛ مسئله این است که چرا وزارت علوم تدربجا در سال های اخیر سنوات مجاز تحصیلی را از ۱۲ ترم به ۸ ترم رسانده است، با توجه به دلایل ذکر شده این وزارتخانه طبق کدام قاعده ی عقلانی و با چه منطقی اقدام به تعیین جریمه‌های مالی تخطی از سنوات تحصیلی برای دانشجویان این کشور می‌کند؟

آیا برای دانشجویانی که در ۶ یا ۷ ترم فارغ‌التحصیل شوند پاداش مالی در نظر می گیرند یا صرفا دستِ بگیر دارند؟

با توجه به موج اعتراضات شدید دانشجویی در سراسر کشور، وزارت علوم تحقیقا می بایست از اجرای این آیین نامه صرف نظر کند و باید بداند که در صورت تعویق -نه تعلیق- مقرره اخیر این موج قطعا در سال های آتی نیز سیلان خواهد داشت.

در حال حاضر هم تشکل انجمن اسلامی دانشجویان به عنوان بزرگترین نماینده دانشجویی استان سمنان خواستار پاسخگویی مسئولین دانشگاه در باب این موضوع می باشد.

مخاطبین گرامی نیز در انتظار انعکاس رفتار مسئولین در قبال این مسئله باشند...

یاحق

درپس این دعواها خبری نیست

محسن تاجیک

اما نکته قابل تامل در انتخابات امریکا آنجاست که ممکن است یک نامزد اکثریت آرای مردم را به‌دست نیاورده باشد اما اکثریت آرای الکترال را به‌دست بیاورد و برنده انتخابات شود. اگر نامزدی اکثریت آرای مردم در۱۱ ایالت پرجمعیت یعنی کالیفرنیا، نیویورک، تگزاس، فلوریدا، پنسیلوانیا، ایلی‌نویز، اوهایو، میشیگان، نیوجرسی، کارولینای شمالی و جورجیا را به‌دست آورد رئیس‌جمهور می‌شود، حتی اگر در ۳۹ ایالت کم جمعیت تر هیچ رأیی به‌دست نیاورده باشد. مجموع آرای الکترال این ۱۱ ایالت به ۲۷۰می‌رسد و این حد نصابی است که نامزد برنده باید از مجموع ۵۳۸رأی الکترال به‌دست آورد. در حالی که جمعیت ساکنان ۳۹ ایالتی که به نامزد برنده رأی نداده‌اند، از مجموع شهروندان ۱۱ ایالت اصلی بیشتر است، بنابراین نامزد برنده بدون اینکه رأی اکثریت مردم را به‌دست آورده باشد با مجموع آرای الکترال ۱۱ایالت پرجمعیت به کاخ سفید می‌رود. در تاریخ آمریکا تا به حال سه بار این اتفاق روی داده‌است و آخرین بار در سال ۲۰۰۰ اتفاق افتاد. در حالی که جرج بوش ۵۰۰ هزار رای نسبت به رقیبش ال گور کمتر داشت اما به واسطه آن که آرای الکترالش از وی بیشتر بود به عنوان رئیس جمهور امریکا انتخاب شد.

برگزاری اینگونه انتخابات در امریکا نشات گرفته از نظام فدرالی و دو قطبی این کشور است. وجود دو حزب قدرتمند دموکرات و جمهوری خواه در پیشانی سیاسی ایالات متحده که تشکیلشان به دو قرن گذشته بر می گردد باعث شده که هیچ فرد و حزب سومی نتواند برای دستیابی به قدرت عرض اندام کند و تنها راه رسیدن به قدرت حضور در این دو حزب است. دو حزبی که شاید در ظاهر تفاوت های بنیادینی با یکدیگر داشته باشند اما باطن یکسانی دارند. به عنوان مثال در همین انتخابات اخیر امریکا دونالد ترامپ نامزد حزب جمهوری خواه اولویت نخست کاریش پس از پیروزی در انتخابات را لغو توافق هسته ای ایران و پاره کردن برجام می خواند و مدعی است که این توافق یک فاجعه برای آمریکا و اسراییل است. در طرف مقابل هیلاری کلینتون نامزد دموکرات ها علی رغم این که به صراحت از لغو توافق هسته ای سخن بر زبان نمی آورد اما تاکید فراوانی بر افزایش فشار ها و تحریم ها علیه ایران دارد و می گوید: »من تلاش می کنم تحریم های جدیدی علیه ایران وضع کنم. ما باید توجه داشته باشیم که همین تحریم ها بود که ایران را پای میز مذاکره آورد .«بحران سوریه، اسلام ستیزی، روابط گشترده با عربستان و .... از جمله شباهت های این دو حزبی است که خود را رقیب یکدیگر معرفی می کنند. اما دایره اشتراکات این دو حزب به خارج از ایالات متحده محضور نمی شود و رسوایی های داخلی را هم شامل می شود. جایی که روزنامه واشنگتن پست فایل صوتی دونالد ترامپ را درباره زنان منتشر می کند و عده ای از زنان امریکایی که به آزار های جنسی ای که از سوی ترامپ دیده اند اقرار می کنند و همین موضوع بهترین دستاویز برای هیلاری کینتون و دموکرات خواهان است و اما از سوی دیگر ترامپ در پاسخ به این موضوع می گوید: »آنچه من گفته‌ام از جنس صحبت‌های خصوصی‌ای است که مردان در خلوت به هم می‌زنند. من صرفا حرفش را زده‌ام ولی بیل کلینتون این کارها را انجام داده است .«اشاره‌ای صریح به رسوایی جنسی بیل کلینتون، رئیس‌جمهور دموکرات وقت آمریکا. مثالی که خود گویای دیدگاه واقعی نمایندگان و اعضای سرشناس دو حزب قدرتمند ایالات متحده به مقوله زنان و جایگاه اجتماعی آنان در جامعه امروز امریکاست. در چنین شرایطی که عملا نمی توان میان این دو حزب در عرصه های مختلف تمایزی قائل شد، نباید انتظار تغییر و تحولی در سیاست دولت آینده ایالت متحده را داشت. چه در سیاست های داخلی امریکا و چه در سیاست های خارجی اش که اهم مباحث آن به مسائل خاورمیانه و ایران مربوط می شود.

«ملاقات یا مذاکره؟؟

سید محمد حسینی

زنده ماندن مکتب عاشورا پس از گذشت ۱۴۰۰ سال گواه برحقیقتی است که پیوسته در گذر زمان جاری خواهد ماند. هرشخصی می تواند متناسب با درک و فهم خود به ارائه نظر درباره این واقعه بپردازد، اما این مسئله جز با رجوع به منابع موثق تاریخی اسلام و توجه به نظر مراجع تقلید قابل تایید و تصدیق نیست.

اخیراً جناب سروش محلّاتی در شب ششم محرم، ضمن تکرار ادعای «مذاکره »امام حسین(ع) با عمربن سعد (لعنهٔ ا... علیه)، دلایلی برای این مدعا ذکر کرده‌اند که به برخی از آن ها در زیر می پردازیم.

میان امام حسین(ع)، عمرسعد و ابن زیاد ملعون چه گذشت؟

طبق نقل طبری از ابی‌مخنف (که آقای محلاتی از آنجا نقل قول کرده‌اند) هانی‌بن ثبیت حضرمی که هنگام شهادت حضرت حاضر بوده، گوید: عمر سعد با حدود بیست سوار آمد و حسین[ع] نیز با همانند آن بیامد و چون به هم رسیدند، حسین به یاران خویش گفت دور شوند؛ عمر سعد نیز با یاران خویش چنین گفت.

[همان راوی] گوید: از آنها دور شدیم چندان که صدا و سخنشان را نمی‌شنیدیم... پس از آن هرکدام با یارانشان سوی اردوگاه خویش بازگشتند و کسان درباره آنچه میان‌شان رفته بود به‌پندار سخن کردند [و] پنداشتند که حسین[ع] به عمربن سعد گفته بود "با من پیش یزیدبن معاویه بیا و دو اردو را به‌جای می‌گذاریم".

متن نامه‌ای که گفته می‌شود عمرسعد پس از گفتگو با امام(ع) برای ابن‌زیاد نوشته، چنین است:"اما بعد؛ خدای متعال آتش جنگ را خاموش کرد و سخن را یکی کرد و کار امّت را به سازش کشانید. اینک حسین(ع) متعهّد می‌شود به همان جایی که بوده مراجعت کند یا به یکی از سرحدّات پناهنده شود و مانند یکی از مسلمانان زیست نماید و موظّف به انجام قوانین معموله باشد و یا پیش یزید رفته، دست در دست وی بگذارد تا او، خود تصمیم بگیرد و من خیال می‌کنم تعهّد حسین، مورد خرسندی تو [است] و به‌صلاح امّت تمام می‌شود".

ادعای محلاتی و نتیجه‌ای که از این دیدار و آن نامه می‌گیرد چیست؟

۱. چون امام (ع) با عمر سعد ملعون دیدار داشته پس با او مذاکره کرده است.

۲. از متن نامه ای که عمر سعد به ابن زیاد ملعون نوشته است می توان حدس زد که امام (ع) به مذاکره با یزید متمایل بوده است.

۳. چون مفاد این نامه و اذعان به ملاقات امام(ع) با عمرسعد ملعون، در مکتوبات علمای پیشین آمده، پس این امر تأییدی بر مذاکره بین امام و عمرسعد است!

پاسخ به این شبهه‌ها:

۱. اما اینکه آقای محلاتی گفته‌اند که امام(ع)«مذاکره »کرده‌اند و نه «ملاقات» ، بی‌ربط است. به‌علاوه ایشان به‌جای آوردن شاهدی برای آنچه گفته‌اند (که مفاد گفتگوی امام و عمرسعد است)، شواهدشان جهت اثبات «رخ‌دادن ملاقات »بوده. در یک کلام ایشان هیچ شاهدی نیاورده تا آنچه را به امام(ع) نسبت داده، تقویت کند بلکه همان‌طور که آمد، خلاف ادعای وی در همان منابع مورد استنادش به‌تصریح آمده است، پس شاید بهتر باشد ایشان خود را بیشتر به زحمت بیندازد و برای «اصل ادعا » شواهد جور کنند، یعنی شاهدی بتراشند تا نشان دهند که آنچه بین امام(ع) و عمرسعد گذشته، «مذاکره »و «بازی برد ــ برد» بوده یا نه؛ و الّا دلیل آوردن ایشان برای اینکه بین عمرسعد و امام(ع) ملاقاتی رخ داده، نه‌تنها به مدعای ایشان مربوط نیست بلکه اصلاً مورد اختلاف هم نیست. در یک کلام بحث بر سر این نیست که امام با عمرسعد گفتگو کرده‌اند یا نه، بحث اینجاست که آیا این گفتگو، همان « مذاکره »به‌معنای مصطلح امروزشان یعنی برد ــ برد بوده، یا «نصیحت و انذار»بوده است؟

۲. اولا آقای سروش محلاتی احتمالاً می‌دانند که قول و فعل و تقریر معصوم است که منبع استنباط است، نه قول عمربن سعد (لعنهٔ ا... علیه) یا نقل او از امام(ع)؛ مگر اینکه آقای سروش محلاتی مدعی شوند که عمر سعد جزو راویان مورد وثوق شیعه است! در ضمن، همان‌طور که جناب محلاتی اذعان کرده‌اند، محتوای گفتگوی امام(ع) و عمربن سعد (با استناد به منابع آقای سروش محلاتی) مشخص نیست.

در ثانی، اینکه ایشان گفته‌اند: "می‌شود مفاد گفتگوی میان عمرسعد و امام(ع) را از نامه عمرسعد به ابن‌زیاد«حدس»زد "هیچ وجهی ندارد. چرا که نه‌تنها آنچه حدس زده‌اند با عقاید مسلّم ما متعارض است، با عقل هم سازگار نیست. اگر بنا بود امام(ع) «دست در دست یزید بگذارند تا یزید رأیش را بگوید»، اصل قیام امام(ع) بی‌وجه بود! به‌علاوه مشخص نیست که آقای محلاتی چطور این حرف را به امام نسبت داده‌اند و از کجا گفته‌اند که:

«وقتی حضرت دید راهی برای برگشت نیست و نمی‌تواند آزادانه به کوفه برود، فرمودند: »به‌طریق شام حرکت می‌کنیم و نزد یزید می‌رویم .« چراکه امام می‌دانست یزید انعطاف‌پذیرتر از عبیدالله است و راحت‌تر می‌تواند با او کنار بیاید.»

جلّ‌الخالق! واقعاً آیا آقای محلاتی بر آنند که امام(ع) یزید را از ابن‌زیاد منعطف‌تر می‌دانستند و بر آن بودند که از شر ابن‌زیاد به رأی یزید پناه برند؟ و آیا آقای محلاتی مدعی‌اند که امام بر آن بوده‌اند که می‌شود با یزید کنار آمد؟!

به‌خلاف ادعای آقای محلاتی، امام(ع) به‌تصریح در روز عاشورا این ادعاها را رد می‌فرمایند:

لا وَا... لاأُعطیکُم بِیَدی إعطاءَ الذَّلیلِ وَلاأُفِرُّ فِرارَ العَبیدِ (به‌خدا سوگند، نه دست ذلّت و خواری به شما می‌دهم و نه چونان بردگان می‌گریزم. (مفید، الإرشاد، ص۹۸)

مخلص کلام آنکه نامه عمر سعد به ابن‌زیاد (لعنهٔ ا... علیهما)، دلیل بر قول و فعل و تقریر معصوم نیست، کما اینکه در آن به امام(ع) نسبت دروغ داده شده. مفاد این نامه هم حجت نیست چرا که با قول صریح امام معصوم(ع) ناسازگار است و حدس و گمان هم در این باب بی‌وجه است.

۳. اینکه علما نامه عمر سعد به ابن‌زیاد را نقل کرده‌اند، دلیل بر تأیید ادعای عمرسعد و نسبت‌هائی که به امام(ع) داده، نیست! به عبارت دیگر، صرف نقل این دیدار توسط علما دلیل بر درست بودن ادعای عمر (له) نیست.

آقای محلاتی در آخر صحبت‌شان قول رئیس‌جمهور را مبنی بر اینکه «کربلا درس مذاکره است »، آورده‌اند. باید به ایشان یادآور شد که کربلا درس هرچیزی باشد، باز کربلاست و شهادت حضرت و یارانش در یک کلام، درس «تعامل سازنده! »و «بازی برد ــ برد »نبود. آقای سروش محلاتی! بازی برد ــ برد که «کربلا » نمی‌خواهد.

در آخر باید گفت که آقای محلاتی در آخر صحبت‌شان قول رئیس‌جمهور را مبنی بر اینکه «کربلا درس مذاکره است »، آورده‌اند. باید به ایشان یادآور شد که کربلا درس هرچیزی باشد، باز کربلاست و شهادت حضرت و یارانش در یک کلام، درس «تعامل سازنده! »و «بازی برد ــ برد »نبود. آقای سروش محلاتی! بازی برد ــ برد که «کربلا »نمی‌خواهد.

آقای محلاتی و هم طیفانشان بدانند که به هرحال فرصت برای مذاکره با غرب را گرفتند و انواع اقسام مذاکره و دیدار و انذار و... را انجام دادند. به دنبال این نباشند که مذاکرات را اثبات کنند و هر عملی را به امام معصوم نسبت دهند. توصیه می کنیم که به دنبال آن باشند که این مذاکرات چه فایده ای داشت. به هر حال خیلی وقت است که زنگ انشاء تمام شده و اکنون وقت عمل است و نه وعده و وَعید.

شعر هفته

آموخت تا که عطر زشیشه فرار را
آموختم فرار زیاران به یار را
لایمکن الفرار من العشق، لاجرم
خواهم شکست با نگهی این حصار را
ای اشک های خفته، علیکن بالفرار!
باید گریست غصه ی هجر نگار را
صدبحر در مضارع اخرب گریستم
تا یافتم چگونه ببازم قمار را
هل من محیص من سکرات المفارقهٔ؟
طوفان شوق و دلهره! رحمی غبار را
اصلا کنار آب، عطش کیف میدهد
زر در میان شعله نماید عیار را
گردن به حکم غمزه ی غمّاز مینهم
باید به جبر یار سپرد اختیار را

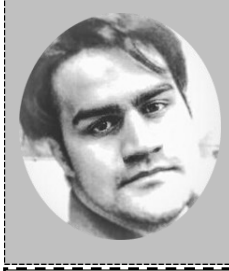

سعید منتظری

این ستون مختص عزیزانی است که ذوق و طبع شاعرانه دارند.

شاعران محترم دانشگاه می توانند با ارسال آثار خود برای الف، شعرشان را با اسم و تصویر خودشان برای دانشجویان دانشگاه سمنان ارائه دهند.

راه های ارتباطی در صفحه ۴ ذکر شده است.

منتظر آثارتان هستیم.

بیماریِ شترمرغ گونگی

رضا مشتاقی

۱- مثنوی طاقدیس «منظومه‌ای است از «ملا احمد نراقی»، مرجع و عالم بزرگ جهان تشیع که در روزگار ما قدرش دانسته نشده است. حکایات و داستان‌هایی دارد که به چشم ظاهر شاید ساده به نظر بیاید ولی حکمت‌هایی در دل خود دارد که مردان جهان‌دیده را هم حیرت‌زده خواهد کرد. آیت‌الله فاطمی‌نیا نقل می‌کردند :بزرگانی را دیده‌ام که طاقدیس می‌خواندند و چون ابر بهار می‌گریستند.

حکایتی در طاقدیس هست از مردی که در بیابان گرفتار شده و شترش در گل نشسته بود. مرد به هر سو نگاه می‌کرد، جز بیابان و شن نمی‌دید. ناگهان از دور شترمرغی پیدا شد و سمت او آمد. مرد بیچاره از شدت اضطرار، به شترمرغ گفت: بیا و محض رضای خدا، این بار مرا بر پشتت بگذار و تا یک آبادی برسان . شترمرغ جواب داد: مرد! در کدام شهر دیده‌ای مرغ‌ها بارکشی کنند؟ من مرغم و چنین کاری از دستم ساخته نیست...

۲- امروز هم شترمرغ‌گون بودن مرض شایع و شاید دلچسبی است. روزی که در پی به دست آوردن قدرتیم، دم از کلید می‌زنیم و وقتی به قدرت رسیدیم و نوبت کار کردن و حل کردن مشکلات شد، «قفل‌ها»را یادآوری می‌کنیم و از بازنشدنی بودن‌شان می‌گوییم و قفل‌ساز را لعنت می‌کنیم. وقتی برکناریم، از بی‌برنامگی‌ها می‌نالیم، وقتی بر راس کار آمدیم، از زحمت برنامه‌نویسی و مشکل بودنش برای دولت می‌گوییم و واگذارش می‌کنیم به مجلس. وقتی می‌خواهیم بیاییم می‌گوییم «مشکل سوءمدیریت است» و وقتی روی کار می‌آییم می‌گوییم «تحریم کمرشکن است و فلج‌کننده! »قبل از انتخابات به مردم وعده رفاه می‌دهیم و بعد از انتخابات نطق می‌کنیم که وظیفه ما ایجاد اشتغال و مسکن و کذا و کذا نیست. حین مذاکرات از گشایش‌های بعد از توافق می‌گوییم، بعد از توفق یادآوری می‌کنیم که »مذاکرات برای رفع تحریم‌ها نبوده است، غرض خروج از انزوا و بازگشت به آغوش جامعه جهانی است .«روزگاری رئیس‌جمهوری را ملامت می‌کنیم که به «در راس امور بودن مجلس بی‌اعتقاد است و چون نوبت خودمان شد، بر سر نمایندگان فریاد می‌زنیم و می‌گوییم »اجازه نمی‌دهم از همکاران من سوال کنید!« از علائم بارز این بیماری شترمرغ‌گونگی، تعریف شدن متفاوت اصول، ارزش‌ها و حقایق، با توجه به تغییر جایگاه و مسؤولیت و سود و زیان ما است. گاهی مرغیم و گاه شتر؛ بسته به اینکه چه از ما بخواهند.

روزی که در پی به دست آوردن قدرتیم، دم از کلید می‌زنیم و وقتی به قدرت رسیدیم و نوبت کار کردن و حل کردن مشکلات شد، قفل‌ها را یادآوری می‌کنیم و از بازنشدنی بودن‌شان می‌گوییم و قفل‌ساز را لعنت می‌کنیم...

۳-می‌توانیم حتی مثل یک وزیر مبلغ لیبرالیسم شویم. وضع مسکن در دوران مسؤولیت‌مان هیچ بهبودی حاصل پیدا نکند، هنوز هم گران‌ترین مسکن جهان را با توجه به سطح درآمد مردم‌مان داشته باشیم ولی راه بیفتیم در مجلات و روزنامه‌ها در فضیلت لیبرالیسم بگوییم و فغان سر بدهیم که »حمایت از مصرف‌کننده و تنظیم بازار و امثالهم کار کمونیست‌هاست .«کار مزخرفی است. وظیفه دولت این کارها نیست. دولت یک حداقلی از وظایف را دارد. نیازی هم نبینیم به این سوال پاسخ بدهیم که »آقای وزیر! بر فرض که لیبرالیسم منتهی‌الآمال جامعه بشری است. بر فرض که «کلید» حل همه مشکلات در دستان لیبرال‌ها «علیهم‌السلام» است. حداقل به لوازم همان لیبرالیسم پایبند باشید و مقدماتش را فراهم کنید، بعد وقتی نوبت کار کردن برای مردم می‌شود لیبرال شوید. نمی‌شود ۹۰ درصد اقتصاد کشور در قبضه دولت باشد؛ خودروسازی دولتی باشد و هر روز به نحوی گوش مردم را ببرد، راه‌آهن دولتی باشد و رستوران‌هایش را بدهیم به اتریشی‌ها، تمام کارخانجات و صنایع بزرگ دولتی باشند و چوب ناکارآمدی‌شان را مردم بخورند، از سوسیالیستی‌ترین اقتصادها هم دولتی‌تر باشیم، بعد وقتی نوبت حمایت از مصرف‌کننده و تنظیم بازار و ایجاد اشتغال و تامین مسکن رسید، لیبرال‌بازی‌مان گا کند

۴ - می‌شود البته! می‌شود از پاسخ دادن به این سوال‌ها گریخت و در هر تصمیم‌گیری منفعت خود را در نظر داشت نه یک اصل واحد را. می‌شود شترمرغ‌وار جلو آمد و بی‌آنکه باری از زمین برداشت و گرهی را باز کرد، صرفا تماشاچی بود و سخنران. در موقعیتی خود را مرغ خواند و در موقعیت دیگر شتر ولی باید ترسید. باید ترسید از آن روز که مردمان گرفتار و به گل نشسته، بفهمند که این شترمرغ دردی را دوا نخواهد کرد. باید ترسید از آن روز که این موجود بی‌خاصیت را کنار بگذارند.

باشگاه شما

۰۹۱۹***۷۴۶۶: تو رو خدا به وضع آب خوابگاه رسیدگی کنید. سنگ کلیه نگیریم شانس آوردیم.

الف: این که خوبه. من تا حالا به خاطر آب خوابگاه کیلو کیلو سنگ کلیه رد کردم!!

۰۹۳۷***۸۵۷۰ : چهار هفته از آغاز سال تحصیلی می گذره اما هنوز هم سرویسای نماز جمعه دیر میان و مختلط هستن.این در حالیه که دانشگاه هم به پیمانکار این سرویسا پول میده. این پولا خوردن داره آیا؟

الف: واقعا این پولا خوردن داره آیا؟!!

۰۹۱۹***۲۰۰۷ : بسیار متشکرم از گاهنامه بسیار خوب و بصیرت افزاتون. خدا قوت

الف: انصافا از ما تعریف نکنید. ما جنبه تعریف نداریم.

۰۹۲۱***۶۳۷۷: چرا برای سلف خوابگاه، دستگاه ژتون فراموشی قرار ندادن؟لطفا پیگیری کنید.

الف: توصیه ما این هست که از کارت های دانشجوییتون سخت محافظت کنید.

حتما پیگیری می کنیم

دور و برت رو یه نگاه کن. مشکلی نداری؟ همه چی رو به راس؟ بدخواه مدخواه نداری؟ این نشریه چطوره ؟ خوشت اومد ؟

مَخلَص کلام ، اگه مشکلی بود از خوابگاه تا سلف، از سلف تا دانشکده، ما در خدمتیم... اگه نظری در مورد نشریه هم داری، با گوش جان میشنویم...

اینم شماره باشگاه : ۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

تالار کتاب

دیلمزاد

دراین کتاب، داستانی با موضوع دفاع مقدس درج شده است. کتاب حاضر، با هدف بیان شجاعت ها و دلاورمردی های رزمندگان دوران دفاع مقدس و ذکر بخش هایی از واقعیت ها، سختی ها و تلخی های گزنده جنگ تدوین شده است. "اویس" جوان که پدر خود را در هنگام درگیری با جنگلی های کمونیست از دست داده، برای خدمت به میهن و گرفتن انتقام خون پدر، راهی کردستان شده و به جنگ با ضد انقلاب منطقه می پردازد. مدت ها بعد او را در حالی که موج انفجار و صحنه های دلخراش، روح و جسمش را تحت تأثیر سوء قرار داده به خانه بازمی گردانند. اویس روزهایش را با مرور چندباره خاطراتش از زمان شهادت پدر تا هنگام بازگشت به خانه می گذراند و در این بین به این باور رسیده که برادری داشته به نام سیف الله که نمونه رشادت، ایمان، شجاعت و دلاوری بوده و در تمام مراحل جنگ او را همراهی می کرده تا روزی که خود را در کردستان سپر بلای یاران کرده و به شهادت می رسد. اطرافیان اویس نگران او هستند اما او در توهمات و تخیلات خویش غرق شده و با یاد همرزمان و سیف الله دلخوش است

Alef.semnan@gmail.com
https://telegram.me/Iasu_ir
www.iasu.ir
Anjomaneslami.semnan
۰۹۳۷۸۱۰۸۵۸۱

گاهنامه سیاسی ، انتقادی ، اجتماعی انجمن اسلامی دانشجویان
سال پانزدهم/ شماره ۱۲۰/ مهر ۱۳۹۵
مدیر مسئول و سردبیر : سید محمد حسینی، همکاران:
سجاد اسدی، رضا مشتاقی، فرهود فودازی، محمدحسن بخشی، بهداد فیلی زاده، محسن تاجیک نژاد